

A comparative study of the Convention on the Prohibition and Punishment of Genocide with Islamic jurisprudence

Faani Reza^۱ Rahiminejad Ismaeel^۲ Goharnia Mohamadtaghi^۱

Received date: 2023/10/11
Acceptance date: 2023/12/17

Abstract

Since the adoption of the Convention on the Prohibition and Punishment of Genocide in 1948, genocide has received serious attention from the international community. On the other hand, Islamic jurisprudence, inspired by religious teachings, while emphasizing the sanctity of human blood, in order to preserve life and its descendants, emphasizes the sanctity of generations. and what is stated as human rights in human rights declarations and international conventions has been taken into consideration. This is confirmed by numerous verses and narrations and the opinions of jurists and various jurisprudential rules on the sanctity of human blood, which all indicate the concern of Islam. Genocide is highly respected (for example, verse 33 of Surah Asra). The topic of the present research is also about the comparative study of the Convention on the Prohibition and Punishment of Genocide with the provisions of Islamic jurisprudence and it is of a theoretical type and is based on the descriptive-analytical method using library tools and resources. Jurisprudence and the theories of jurists regarding the prohibition of genocide with the Convention on the Prohibition and Punishment of Genocide have been studied in a comparative manner. The results of the research show that Islamic jurisprudence considers the factors that may lead to genocide and the strategies to deal with it.

Key words: genocide, Islamic jurisprudence, convention

¹ . Ph.D student of Departement of Law,Tabriz branch Islamic azad university,tabriz Iran.mgoharnia54@gmail.com

² . Assistant Professor of Departement of Law,Tabriz University, Tabriz, Iran (corresponding author).dr.rahiminejad@taabrizu.ac.ir

³ . Assistant Professor of Law Department, Shahid Madani University,tabriz,Iran. rfaani@ymail.com

مطالعه تطبیقی کنوانسیون منع و مجازات نسل زدائی با مقررات فقهی اسلام

محمد تقی گهرنیا^۱، اسمعیل رحیمی نژاد^۲، رضا فانی^۳، اسمعیل رحیمی نژاد^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۶

چکیده

از زمان تصویب کنوانسیون منع و مجازات نسل زدایی در ۱۹۴۸ نسل زدائی مورد توجه جدی جامعه بین المللی قرار گرفت. از طرف دیگر، فقه اسلام با الهام از تعالیم دینی ضمن تأکید فراوان بر حرمت خون انسان، در جهت حفظ حیات و نسل وی، قائل به حرمت نسل کشی شده و آنچه که به عنوان حقوق انسانی در اعلامیه های حقوق بشر و کنوانسیون های بین المللی بیان گردیده مورد توجه قرار داده است. موید این امر آیات و روایات متعدد و نظرات فقها و قواعد مختلف فقهی در حرمت خون انسانها می باشد که تماماً دلالت بر اهتمام اسلام به حرمت سنگین نسل کشی دارد (مثلاً آیه ۳۳ سوره اسرا). موضوع تحقیق حاضر نیز در خصوص مطالعه تطبیقی کنوانسیون منع و مجازات نسل زدائی با مقررات فقه اسلام و از نوع نظری بوده و بر اساس روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از ابزار و منابع کتابخانه ای صورت گرفته است. بر همین مبنا، آیات، روایات، قواعد فقهی و نظریات فقها در مورد ممنوعیت نسل کشی با کنوانسیون منع و مجازات نسل زدائی، بصورت تطبیقی مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می دهد که فقه اسلام، عواملی را که ممکن است منجر به نسل زدائی گردد و راهکارهای مقابله با آن را مورد توجه قرار داده است.

کلمات کلیدی: نسل زدائی، فقه اسلامی، کنوانسیون

مقدمه

حرمت انسان یکی از مسائل مهم و اساسی است که در طول تاریخ بشریت مورد توجه ادیان الهی قرار گرفته است. جان، مال، آزادی، حق حیات و حق انتخاب محل زندگی، از جمله مهمترین موضوعاتی است که از مصادیق حرمت برای انسان محسوب شده و از جایگاه ارزشمندی برخوردار است. ارتکاب جرم و جنایت جزئی از واقعیات تلخ تاریخ بوده و به عنوان معضلی بزرگ، جامعه بشری را با خطر مواجهه نموده است. با وجود اعمال مجازات ها و تدابیر کیفری مختلف، نه تنها این نوع از جرائم کاهش نیافته است، بلکه شاهد افزایش آنها و متنوع تر شدن روشها و اهداف آنها نیز هستیم. در طول قرن گذشته، نزدیک به ۱۹۱ میلیون نفر در جریان خشونت های جمعی جان خود را از دست داده اند که بیش از نیمی از آنها غیر نظامیان بودند. جنگ جهانی دوم و ارتکاب نسل کشی های مختلف، قربانیان زیادی به دنبال داشت. واقعیت های موجود بیان گر توسعه جرائم جهانی و شدت و وسعت این جرائم در سطح بین المللی و یا وقوع این جرائم در داخل کشورها اما با بازتاب جهانی می باشد. نسل کشی از جمله جرائمی است که بر خلاف سایر جنایات، در نقاط مختلف دنیا در حال وقوع می باشد و یا ممکن است واقع شود. "جنایات بین المللی مانند جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل زدائی"، از اشکال شدید خشونت هستند. از همین رو بسیاری، تعقیب و محاکمه این افراد را ضروری می دانند. در طول نیمه اول قرن بیستم، این جرم توسط دولت-ملت ها، علیه سایر دولت ها انجام می شد. هم نسل زدائی های استعماری و هم نسل زدائی های بین دولتی، برای توجیه قساوت ها و توحشات خود، امپریالیسم، ناسیونالیسم و ایدئولوژی های بزرگ نژاد و قومیت را مورد استفاده قرار داده اند. در حال حاضر، نسل زدائی های معاصر و سایر کشتارهای جمعی، معمولاً در سطح کشور-ملت واقع می شوند. گروههای مختلف مرتکبان، از نیروهای ارتش دولتی گرفته تا شبه نظامیان، به دلایل زیادی در نسل کشی مشارکت می کنند. یکی از تغییرات مهم، سیالیت و تمرکز نسل زدائی های اخیر است. اینکه نسل زدائی ها، در حال حاضر، در داخل یک کشور، اغلب به عنوان قسمتی از جنگ داخلی انجام می شود، به توضیح این امر که چرا سرعت نسل زدائی در نیمه دوم قرن بیستم افزایش یافته، کمک می کند. (wolfe, 2010: 102-110)

از طرف دیگر، نسل زدائی از جمله جرائمی است که در سطح وسیع حیات و اجتماع انسانها را با خطر مواجه می کند... دلایل مختلف و متعددی برای این جنایت مطرح می باشد که عموماً نسل زدائی های واقع شده طول تاریخ در آنها مشترک هستند. از زمان تاسیس سازمان ملل و تصویب کنوانسیونها و معاهده های مختلف، تاکید بر مقابله با این جرم مورد توجه خاص مجامع بین المللی و کشورهای عضو قرار گرفته و به تدریج کشورها نیز در مقررات داخلی خود آنرا مطرح کرده اند. هرچند، نسل زدائی در حقوق جزای داخلی اکثر کشورها و حقوق جزای بین الملل، مورد توجه خاص و جدی واقع شده است. اما مطالعه احکام شرع مقدس اسلام بیانگر مخالفت اسلام با این جرم می باشد. در اسلام همانند کنوانسیونهای مصوب سازمان ملل، به صورت صریح و مشخص در خصوص نسل زدائی بحثی مطرح نشده و جرم انگاری در این خصوص صورت نگرفته است. اما دلایلی موجود است که می توان از آنها حرمت نسل زدائی و منع از ارتکاب این جنایت را استنباط نمود. من جمله آیات، روایات و نظریات فقهای اسلامی که در شرح و توضیح آیات و روایات در کتب خود به این مسأله اشاره نموده اند.

اهمیت، ضرورت و سابقه انجام تحقیق

نگاهی به قلمرو مطالعات حقوقی در خصوص نسل زدائی، نشان می دهد که توجه به مسأله نسل زدائی موضوعی نسبتاً جدید محسوب می شود که به طور مشخص در دوران معاصر و از زمان اتمام جنگ جهانی دوم مورد توجه جدی حقوقدانان قرار گرفته است. از طرف دیگر، در ایران، تحقیقات خاصی در مورد نسل زدائی بغیر از ترجمه چندین مقاله که بصورت کتاب چاپ گردیده، صورت نگرفته است. در این زمینه میتوان به کتب «دادگاه کیفری بین المللی» تألیف دکتر میرمحمدصادقی، که مبحث اول از فصل سوم را به نسل کشی اختصاص داده است، کتاب «حقوق جزای بین الملل» تألیف همان مولف که در ضمن مقالات مختلف، به نسل زدائی نیز اشاره نموده است، کتاب دیگر، کتابی به نام «جرم شناسی فراملی» است که شامل ترجمه ۱۹ مقاله بوده و در میان آنها، مقالاتی نیز به نسل زدائی اختصاص یافته است. در حقوق اسلام نیز علی رغم اینکه فقهای اسلامی با استنباط از آیات و روایات، مطالب مختلفی در باب حرمت نسل و انسان به طور پراکنده بیان نموده اند، اما به طور تخصصی به این جرم اشاره نکرده اند و این عدم توجه در بین فقهای معاصر نیز مشهود است. بنابراین، با توجه به عدم وجود سابقه تحقیقی در مورد نسل زدائی در حوزه فقه اسلامی، اهمیت و ضرورت تحقیق حاضر مشخص می گردد.

تعریف، مفهوم و مصادیق نسل زدایی در مقررات بین المللی

اصطلاح نسل زدائی، ترکیبی از کلمه «ژنو» و «ساید» است. «ژنو» و «ژنوس»، به معنای قوم یا ملیت و یا نژاد و قومیت می باشد. کلمه «ساید» که از لاتین اخذ شده است، به معنای قتل و کشتن است. نسل زدائی می تواند به قتل قومی و یا قتل نژادی تعبیر شود. عبارت نسل زدائی برای شرح اعمال بی رحمانه جنایتکاران آلمان نازی در محاکمات نورنبرگ استفاده شد (Rafter.2016:118). نسل زدائی عبارت است از: هرگونه اقدام و مبادرت جهت نابودی و حذف فیزیکی بخش یا کلیت گروهی نژادی، قومی، ملی، مذهبی، ایدئولوژیکی. آن زمانی که تعبیرهای جزئی در مورد نسل زدائی تغییر می کرد، اولین تعریف قانونی این عمل در بیانیه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸، حول «جلوگیری و مجازات جرم نسل کشی» شکل گرفت (Rafter.2016:118). تصویب معاهده بین المللی پیش گیری و مجازات جنایت نسل کشی به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل در نهم دسامبر سال ۱۹۴۸ و الحاق کثیری از کشورهای جهان به معاهده مذکور، باعث محکومیت گسترده این جنایت در جامعه بین المللی گردید. ماده ۲ معاهده، عیناً در مواد ۲ و ۴ اساس نامه های دیوان های کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق و رواندا و ماده ۶ اساس نامه دیوان بین المللی کیفری مورد اقتباس قرار گرفته است. (اردبیلی، حبیب زاده فخر بناب ۱۳۸۳، ص ۳) ماده ۶ کنوانسیون رم در توصیف نسل زدائی، مقرر می دارد:

« منظور از نسل کشی در این اساس نامه، هر یک از اعمال مشروحه ذیل است که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی و یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب می یابد. قتل اعضای یک گروه، ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی و یا روحی اعضای یک گروه، قرار دادن یک گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود. اقداماتی که به منظور جلوگیری از توالد و تناسل یک گروه صورت گیرد و انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر. تعریف ماده ۲ کنوانسیون سازمان ملل در مورد پیش گیری منع و مجازات نسل زدائی، این گونه مطرح شده

است: در کنوانسیون حاضر، نسل کشی به معنای ارتکاب هر یک از اعمال زیر است که به قصد نابود کردن همه یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی، یا مذهبی به عنوان گروه انجام می گیرد:

الف) کشتن اعضای گروه

ب) ایراد جراحت جسمانی یا روانی شدید به اعضای گروه

ج) عمدا شرایطی را برای گروه تحمیل کردن به منظور آن که موجب نابودی کلی یا جزئی آن شود

د) تحمیل اقداماتی به قصد جلوگیری از تولید مثل در بین اعضای گروه

و) انتقال اجباری فرزندان گروه به گروه دیگر

این کنوانسیون علاوه بر مباشرت در نسل کشی، تحریک و شروع به نسل کشی، تبانی برای ارتکاب آن و معاونت در آن را نیز قابل مجازات دانسته است. کلمه کلیدی «گروه» شش بار در این تعریف کوتاه دیده می شود. این تعریف که در نهایت توسط سازمان ملل، مورد تایید قرار گرفت، در واقع محصول مذاکرات و مانورهای تدافعی در بین بسیاری از کشورها بود. ماده (۶) اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی، به پیروی از ماده ۲ کنوانسیون فوق، بیان میکند:

"منظور از نسل زدائی در این اساسنامه، هر یک از اعمال ذیل است که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب می یابد:

۱- قتل اعضای گروه

۲- ایراد صدمه شدید جسمانی یا روانی به اعضای گروه

۳- تحمیل عمدی شرایط زیستی نامناسب بر گروه برای این که منتهی به زوال کلی یا جزئی قوای جسمی شود

۴- تحمیل اقداماتی به منظور جلوگیری از تولد و تناسل بین گروه

۵- انتقال اجباری اطفال گروه به گروه دیگر."

نسل زدائی بصورت تخصصی از زمان تأسیس سازمان ملل و خصوصاً با تصویب کنوانسیون ۱۹۴۸، مورد توجه قرار گرفته و از این طریق به تدریج وارد مقررات حقوقی کشورهای مختلف گردیده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز در مقدمه خود مقرر نموده «عدم شناسائی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و در نتیجه ظهور دنیائی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند به عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است.» در دین اسلام، حقوق بشر از اهمیت خاصی برخوردار است و این اهمیت در قالب حق الناس متبلور گردیده است. انسان به عنوان اشرف مخلوقات الهی، واجد ارزش و کرامت زیادی می باشد. انسان از نظر هستی، متمایز از سایر مخلوقات بوده و در آیات مختلف و روایات معصومین مقام و مرتبه بسیار رفیعی دارد. از نظر خلقت، انسان موجودی ابدی است. (هنر بخش، ۱۳۹۸، ص ۲۶)

ابن سینا، در این زمینه می گوید «روح ناطق، فساد نمی پذیرد و دست خوش اضمحلال نمی شود و فانی نمی گردد و نمی میرد، بلکه جوهری است ثابت، دائم و فساد ناپذیر.» (احدی، ۱۳۹۲، ص ۱۸) قرن ها قبل از اعلامیه جهانی حقوق بشر و قبل از اینکه در قالب معاهدات و کنوانسیونهای مختلف مورد توجه و تصویب جامعه جهانی قرار گیرد، این مهم در مقررات اسلامی بیان شده و

مورد توجه قرار گرفته است. اما از طرف دیگر، در مقررات اسلامی، به صورتی که بیان شد، به طور صریح و مدون نسل کشی مطرح نشده و لذا لازم است که با بررسی و کنکاش در مقررات و احکام حقوقی شرع مقدس، حکم این جرم را استنباط کرد.

مصادیق نسل کشی در اسلام

در حقوق اسلام دلایل متعدد مربوط به حرمت نسل زدائی و حرمت خون انسان ها اعم از مسلمان و غیر مسلمان و حتی حیوانات، در قالب آیات و روایات مختلف بیان شده و فقها نیز در کتب خود به این جرم ورود کرده اند که جملگی دلالت بر حرمت جرم نسل کشی دارند که در این مقاله به آن ها اشاره خواهد شد.

دلایل مربوط به قرآن (کتاب)

قرآن، به عنوان کتاب الهی که قواعد و مقررات حیات بخش آن برای تنظیم و تضمین زندگی و سعادت دنیوی و اخروی انسان ها نازل شده است، در تعدادی از آیات خود، به مسأله نسل و جنایت مربوط به انسان ها اشاره نموده است. بند «الف» ماده ۲ کنوانسیون ملل متحد در مورد پیش گیری و مجازات نسل زدائی، کشتن اعضای گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی را بعنوان اولین مصداق نسل زدائی بیان نموده است.

۱-۱-۱ - اسراف و زیاده روی در قتل: "در قتل و خونریزی زیاده روی نکنید" (سوره اسراء، آیه ۳۳)

احترام خون انسانها و حرمت قتل نفس از مسائلی می باشد که تمام شرایع آسمانی و قوانین بشری در آن متفقند و آن را یکی از بزرگترین گناهان محسوب می نمایند. ولی اسلام اهمیت بیشتری به این مسأله داده است تا آن جا که قتل یک انسان را همانند کشتن تمام انسانها شمرده است. (سوره مائده، آیه ۳۳) و حتی از بعضی از آیات قرآن چنین استنباط میشود که مجازات خلود در آتش که مخصوص کفار است برای قاتل نیز تعیین شده ممکن است این تعبیر دلیل آن باشد که افرادی که دستشان به خون بی گناهان آلوده میشود با ایمان از دنیا نخواهد رفت. (سوره نساء، آیه ۹۳) نه تنها قتل نفس بلکه کمترین و کوچکترین آزار انسان، از نظر اسلام مجازات دارد و می توان با اطمینان گفت این همه احترام که اسلام برای خون و جان و حیثیت انسان قائل شده است در هیچ آیینی وجود ندارد. در حدیث معروفی از پیامبر (ص) می خوانیم: (خون هیچ مسلمانی که شهادت به وحدانیت خداوند و نبوت پیامبر اسلام می دهد، حلال نیست مگر سه گروه: قاتل، زانی محصن و آن کس که دین خود را رها کند و از جماعت مسلمین خارج شود)

اما قاتل که تکلیفش روشن است و در قصاص او حیات جامعه و تامین امنیت نفوس است و اگر حق قصاص به اولیای دم مقتول داده نشود قاتلان جسور و جری میشوند و امنیت جامعه مختل می شود. اما در عین حال ولی دم نباید بیش از حق خود مطالبه کند و در قتل اسراف نماید چرا که او مورد حمایت است. آری، اولیای دم مقتول مادام که در مرز اسلام قدم برمی دارند و از حد خود تجاوز نکرده اند، مورد نصرت الهی هستند. این جمله اشاره به اعمالی که در زمان جاهلیت بوده و امروزه نیز گاه صورت می گیرد می باشد که در مقابل کشته شدن یک نفر از یک قبیله، قبیله مقتول خونهای زیادی را می ریزند. و یا اینکه در مقابل کشته شدن یک نفر، افراد بی گناه و بی دفاع دیگری غیر از قاتل را به قتل می رسانند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۴، صص ۳۵۵-۳۵۷)

۲-۱-۱- رعایت اندازه در انتقام: "اگر به شما مسلمانان کسی عقوبت و ستمی رسانید، شما باید به قدر آن در مقابل انتقام کشید. و اگر صبور باشید برای صابران اجری بهتر خواهد بود." (سوره نحل، آیه ۱۲۶)

عقوبت یعنی مجازات و مقابله به عذاب. خطاب به مسلمانان می فرماید: اگر خواستید کفار را به خاطر این که شما را عقاب کردند و به سبب ایمانتان شما را آزار دادند و با شما جنگ نمودند، عقاب نمائید، در این صورت انصاف نماید و همان گونه با آنها برخورد کنید نه شدید تر از آن. و آنگاه می فرماید: اگر بر تلخی عذاب و عقاب کفار صبر نمایید و در مقام تلافی بر نیابید، برای شما بهتر است. چون این صبر شما در حقیقت انتخاب و ترجیح دادن رضای خدا و اجر و ثواب او بر رضای خودتان و داغ دل ستاندن و تشفی قلب خودتان است و در اینصورت عمل شما صددرصد خالص برای وجه الله خواهد بود و علاوه بر این، گذشت و عفو شیوه جوانمردان است و آثار نیکوئی به دنبال دارد. (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۴۳)

۳-۱-۱- نسل کشی و افساد فی الارض: "بدین سبب بر بنی اسرائیل چنین حکم کردیم که هر کس نفسی را بدون حق قصاص و یا بی آنکه فتنه و فساد در زمین بکند، بکشد، چنان باشد که تمام مردم را کشته و هر کسی نفسی را حیات بخشد، مثل آن است که تمام مردم را حیات بخشیده است و رسولان ما به طرف خلق باادله آمدند بعد بسیاری از مردم باز در روی زمین بنای فساد و سرکشی گذاشتند." (سوره مائده، آیه ۳۲). امام علی (ع) در این مورد می فرماید: و اما آن چه لفظش خاص ولی معنایش عام است، فرموده خدای عزوجل است. لفظ آیه مخصوص بنی اسرائیل نازل شده ولی بر تمام خلق جاری است و شامل تمام بندگان می شود چه بنی اسرائیل و چه سایر امتهای. و مشابه این نمونه در کتاب خدا زیاد است. حمران می گوید: از امام باقر (ع) در مورد آیه ۳۲ مائده سوال کردم و گفتم: چگونه این آیه اتفاق می افتد... فکانما قتل الناس جميعا... در صورتی که فقط یک تن را کشته است؟ فرمود: آن شخص در جایی از جهنم نهاده می شود که شدت عذاب اهل آن به آن جا منتهی می گردد و اگر کسی تمام انسان هارا بکشد باز در همان جا عذاب می شود. گفتم: اگر نفر دیگری را بکشد؟ فرمود: عذاب بر او دو چندان میگردد. (حسینی بهارنچی، بی تا، جلد ۴، ص ۱۰) سماعه می گوید: از امام صادق (ع) در مورد آیه ۳۲ سوره مائده که می فرماید: و هر کس انسانی را از مرگ رهایی دهد، چنان است که گوئی به تمام مردم حیات داده است. سوال کردم. امام فرمود:... هر کس نفسی را از گمگشتگی به رهیافتگی آورد، گویا آنرا زنده کرده و هر کس نفسی را از رهیافتگی به گمگشتگی سوق دهد، به حق آن را کشته است... (حسینی بهارنچی، بی تا، ج ۴، ص ۱۲)

۴-۱-۱- اشاره صریح به قصد از بین بردن نسل بشر: "و چون از حضور تو دور شود، کارش فتنه و فساد در زمین بوده، سعی و تلاش کند تا حاصل و دسترنج و نسل بشر را از بین ببرد و خداوند مفسدان را دوست ندارد." (سوره بقره، آیه ۲۰۵)

بند های (ج) و (د) کنوانسیون فوق الذکر، به اقداماتی اشاره نموده که هدف از اعمال آنها، نابودی کلی و یا جری نسل و همچنین ممانعت از تولید مثل در بین اعضای یک گروه به منظور از بین رفتن نسل آن گروه می باشد. در آیه فوق نیز صراحتاً قصد از بین رفتن نسل بشر توسط مرتکب و یا مرتکبین مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس این بند ها را با آیه فوق مورد بررسی قرار می دهیم.

"آیه فوق اشاره به اعمالی از جانب انسانها دارد که نه تنها قصد آنها نابودی مال و اموال اشخاص است بلکه با هدف قطع نسل انسان و ریشه های اصلی حیات متمدن ارتکاب می یابد. در این آیه، به گونه ای کاملاً واضح، از یک مفهوم سخن به میان آمده است که با تعریف امروزه نسل زدائی قرابت بسیار نزدیکی دارد، به گونه ای که علاوه بر سوء نیت برای کشتن یک انسان، سوء نیت دیگری نیز برای نابودی نسل در پی اعمال خاص کاملاً مشهود است. در نهایت می توان به راحتی دریافت که مقوله جلوگیری از جرائمی از این دست، در طول تاریخ بشری وجود داشته و در دین مبین اسلام که اصالتاً به دنبال زندگی بشر است و فرمان خداوند را بر جهان جاری نموده نیز به وضوح بر آن صحنه گذاشته است." (بیگلری، ۱۳۹۶، ص ۱۷).

کلمه (تولی) به معنای دارای ولایت و مسلط شدن و تملک آن است و موید این معنا جمله "اخذته العزه بالاثم" گرفتار غروری می شود که گناه در دل ایجاد میکند و در آیه بعدی است که می فهماند عزتی که دچارش شده بخاطر گناهی بوده که مرتکب شده و قلب مخالف با زبانش را بیمار کرده است. (سعی)، هم به معنای عمل و هم به معنای سرعت در راه رفتن است. در نتیجه معنای آیه چنین است: که این منافق شدید الخصومه وقتی دستش برسد و دارای قدرتی شود و ریاستی بدست آورد، سعی می کند فساد را در زمین گسترش دهد و ممکن است کلمه (تولی) به معنای اعراض از رو برو شدن و گفتگو کردن باشد و معنا چنین باشد که: چون از نزد تو بیرون می رود، وضعش غیر از آن وضعی می شود که در حضور تو داشت. در حضور تو دم از صلاح و اصلاح می زد و می گفت در این راه سعی خواهد کرد ولی چون بیرون می شود، در راه فساد و افساد سعی می کند.

"یهلک الحرث و النسل" (آیه ۲۰۵. سوره بقره)

از ظاهر این قسمت از آیه، بر می آید که می خواهد جمله قبلی یعنی فساد را بیان کند و بفرماید... فساد و افساد به این است که حرث و نسل را نابود کند. و اگر نابود کردن حرث و نسل را بیان فساد قرار داده، برای این است که قوام نوع انسان در بقای حیاتش به غذا و تولید مثل است و اگر غذا نخورد می میرد و اگر تولید مثل نکند، نسلش قطع می شود و انسان در تامین غذایش به حرث یعنی زراعت نیازمند است و چون غذای او حیوانی و یا نباتی است، و حیوان هم در زندگی و نموش به ثبات نیاز دارد، پس حرث که همان نبات باشد، اصل در زندگی بشر است و بدین جهت فساد در زمین را با اهلاك حرث و نسل بیان کرد. پس معنای آیه این شد که: او از راه نابود کردن حرث و نسل، در زمین فساد می انگیزد و در نابودی انسان می کوشد. (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۴۳)

۱-۱-۵- اشاره به اصل شخصی بودن مسولیت: "هیچ کس بار گناه دیگری را بدوش نخواهد گرفت." (سوره نجم آیه ۳۸) از مجموع آیات فوق چنین استنباط می شود که به قتل رساندن فرد یا افرادی به ناحق، تلاش در از بین بردن و صدمه زدن به نسل بشریت، نادیده گرفتن مسولیت فردی و قتل و کشتار گروهی افراد که از مصادیق نسل کشی می باشند، از نظر قرآن، به منزله فساد در زمین و گناه بوده و مستوجب عذاب و مجازات دنیوی و اخروی می باشد.

۱-۲- دلایل مربوط به روایات:

همانند آیات قرآنی، در روایات معصومین (ع) نیز به صراحت نسل کشی مورد اشاره مستقیم قرار نگرفته است. اما مضمون روایات کاملاً بیان کننده حرمت اقداماتی است که نسل بشریت را با خطر مواجه می کنند. به عبارت دیگر، قواعد و اصولی همانند آیات قرآن

از روایات می توان استنباط کرد که طبق آنها محدودیت ها و قوانینی برای جنگ وضع گردیده اند و نتیجه آن جلوگیری از ارتکاب جرائم جنگی و خصوصاً نسل کشی می باشد. ذیلاً به تعدادی از این قواعد و مقررات که در روایات مطرح شده اند، اشاره می شود.

۱-۲-۱- ممنوعیت صدمه به غیر نظامیان:

"رسول مکرم اسلام (ص) در اعزام نیروهای مسلح به جنگ موته به سپاهیان خود توصیه کرد، به دانشمندان و نمایندگان نمایندگان مذاهب که موضع بی طرف داشتند، تعرض نکنید". (عمیدزنجانی، ۱۳۸۵، ص ۶)

امام علی (ع) در توصیه به یاران خود در جنگ جمل فرمود، "به کاروان های غیر نظامی هجوم نبرید و زنان را هر چند به شما پرخاش کردند، مورد ضرب و شتم قرار ندهید". (عمیدزنجانی، ۱۳۸۵، ص ۵۳)

۱-۲-۲- ممنوعیت استفاده سلاح شیمیایی و سموم:

"پیامبر از کاربرد سم در زمین مشرکین نهی کرده است. که می توان استنباط کرد نهی از استعمال سم، باعث جلوگیری از کشتار غیر نظامیان و... در نتیجه کشتار در سطح وسیع می گردد". (فارسی، بی تا، ص ۲۷)

۱-۲-۳- آسیب نزدن به حیوانات، درختان، آتش نزدن مزارع و عدم تخریب بناها:

"اقدامات فوق الذکر، بطور مستقیم و غیر مستقیم ممکن است باعث ورود صدمه به انسان ها و در نتیجه به خطر افتادن افراد گردد. لذا در روایات، اقدامات مذکور مورد نهی قرار گرفته اند. پیامبر در توصیه های خود به نیروهای نظامی فرمود: حیوانات حلال گوشت را جز به اندازه نیاز ذبح نکنید". (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۸)

۱-۲-۴- رعایت جوانمردی و فتوت در جنگ:

"زمانی که رسول اکرم (ص) میخواست فرماندهان را اعزام کند، آنها را دعوت می کرد و میفرمود: بنام خدا و در راه خدا بر اساس سنت رسول خدا، خیانت نکنید، اجساد را مثله نکنید، عهد شکنی نکنید، پیرها، کودکان و زنان را به قتل نرسانید، درختان را قطع نکنید مگر اینکه در انجام این کار مضطر شوید. همچنین رسول اکرم (ص) از ریختن سم در بلاد و سرزمین های مشرکین نهی میکرد. (مجلسی دوم، اصفهانی، ۱۴۰۴، صص ۳۵۲ و ۳۵۳)

۱-۲-۵- عدم قتل فرستادگان و گروگانها و نهی آتش زدن مزارع و قتل غیر نظامیان و کشتن حیوانات:

"رسول اکرم فرمود: فرستادگان و گروگانها را به قتل نرسانید" (مجلسی دوم، اصفهانی، ۱۴۱۰، ص ۳۱)

"وقتی رسول خدا (ص) میخواست امیری برای سپاهیان منصوب کند، او را به تقوای الهی بطور خاص نسبت به خودش و بعد نسبت به عموم اصحاب و سپاهیان امر میکرد و بعد میفرمود: ...با اشخاصی که به خدا کافر هستند جهاد کنید، خیانت و عهد شکنی نکنید، اجساد را مثله نکرده و کودکان را به قتل نرسانید، نخل ها را به آتش نکشید و در آب غرق نکنید، درخت مثمر و میوه دار را قطع نکنید، کشت و زرع را به آتش نکشید شاید به آنها احتیاج پیدا کردید و بهائم و چهارپایان را نکشید". (حر عاملی، ۱۴۰۹، ص ۵۹)

۶-۲-۱- منع از تعرض به پیران، اطفال و زنان، منع ترور یا فتک و رعایت حقوق اسیران

"...و اگر ایشان گروهی نباشند، در پی ایشان نباید رفت و اسیر و مجروح را نباید کشت، و جایز نیست اسیر کردن اطفال و زنان ایشان و مالهایی که با خود نداشته باشند" (مجلسی اول، ۱۴۰۰، ص ۷۸)

به قتل رساندن زنان، نابینایان، پیرمرد سال خورده و مجانین و کودکان جایز نیست مگر اینکه بجنگند و از آنها جزیه گرفته نمی شود. همچنین، رسول خدا فرمود: در جنگ شخصی را نکشید مگر اینکه علیه شما جری شده و جنگ کند. همچنین رسول خدا در وصیت خود میفرماید: کودکان و پیرمردان سالخورده و زنان را به قتل نرسایند. منابع اسلامی از منع ترور و عملیات غافلگیرانه حکایت میکنند. از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که: ایمان باز دارنده از ترور یا فتک می باشد. (محدث نوری، ۱۴۰۸، ص ۱۱) غذا دادن و احسان به اسیر، حق و واجب است. امام صادق (ع) می فرماید: لاسیر والاحسان عیله حق واجب

۳-۱- قواعد فقهی و دلایل مطروحه در کتب فقهی

علاوه بر نصوص روایی و قرآنی، بعضی قواعد فقهی مانند لاضرر، قاعده اثم و وزر نیز بعنوان دلیل حرمت نسل زدائی مطرح شده اند. فقههای اسلامی با تکیه بر آیات قران کریم و روایات وارده از طرف پیامبر (ص) و ائمه (ع)، در کتابهای خود و با طرح قواعد فقهی به مسأله نسل کشی اشاره نموده اند که ذیلاً مورد اشاره قرار میگیرند.

- قاعده لاضرر: این قاعده بر گرفته از حدیث نبوی ...لاضرر و لاضرار غی الاسلام... که بر نفی ضرر و زیان زدن بر خود و سایرین و حرمت آن دلالت دارد، می باشد. بر اساس قاعده لاضرر، کسی حق ندارد ضرر غیر قابل جبران و کنترل نشده ای را به بهانه دفاع بر دیگران وارد کند. این قاعده از قواعد مشهوری است که در اکثر ابواب فقهی کاربرد دارد و در اهمیت آن گفته شده که یکی از پنج قاعده ای است که مسایل فقهی بر آن استوار است. ضرر به معنی وارد شدن نقصان در مال و جان و آبرو است.

- قاعده اثم، اگر گناه عملی از نفع و سود آن بیشتر باشد، منجر به تحریم آن عمل می گردد.

- قاعده وزر، که بیانگر اصل شخصی بودن جرم و مجازات است، مجازات نباید بغیر از اشخاصی که مرتکب جرم شده و مستحق مجازات می گردند، اعمال شود. در حالیکه در نسل کشی، بصورت وسیع جنایت بر علیه تمام افراد حتی افراد بی گناه نیز صورت گرفته و مورد هدف قرار میگیرند که مصداق قاعده وزر میباشد.

- دلیل عقلی: دلیل عقلی از ادله استنباط احکام شرعی محسوب میشود و به دلیل اینکه از مقدمات عقلی ترکیب شده و به تبع آن نتیجه عقلی نیز دارد، دلیل عقلی گفته میشود. دلیل عقلی از اقسام ادله اربعه و مقابل دلیل شرعی بوده

و به قضایایی اطلاق می شود که عقل بطور قطعی آنها را درک می کند و صلاحیت قرار گرفتن در مسیر استنباط حکم شرعی را دارد. یعنی بتوان به کمک آن احکام شرعی را استنباط کرد مانند حکم قطعی عقل به وجوب حرمت خون انسان. قاعده (کلما حکم به الشرع، حکم به العقل) بیانگر این است که عقل سلیم عین شرع است و شرع هم عین عقل. زیرا عقل و شرع ملازم و مویذ همدیگرند. بنابراین هم عقل و هم شرع نسل زدائی را مذموم دانسته و محکوم مینمایند.

۱-۳-۱: "وقتی که اسلام جنگ را مشروع میدانند، به اصطلاح در کیفیت جنگ، چه نوع جنگی را جایز می داند، و چه نوع

جنگی را جایز نمی داند؟ به این معنا که آیا مثلاً قتل عام را جایز می داند یا جایز نمی داند؟ آیا کشتن کسانی را که شمشیر بر نداشته

اند-مثل پیرها،زنها و بچه ها و افرادی را که مشغول کسب و کار خودشان هستند-جایز می داند یا جایز نمی داند؟اینها همه مسائلی است که باید بحث شودآیاتی که راجع به جهاد است در جاهای متعدد قرآن آمده است.در آیه ۱۹۰سوره بقره می فرماید:ای مومنان ،با مردمی که با شما می جنگند،بجنگیدیعنی چون با شما می جنگند،بجنگیدولی از حد تجاوز نکنید.یعنی چه،ازحد تجاوز نکنید،؟تفسیرش این است که با مردمی که با شما می جنگند فقط با آنهاجنگ کنید ودر میدان بجنگید.یعنی شما باعده ای می جنگید و اینها یک عده سرباز فرستاده اند ویک عده مرد جنگی دارند و این سرباز ها آماده جنگ با شما هستند.شما با سربازی که آماده جنگ است بجنگید..اما افراد دیگری که مرد جنگی نیستند،حالشان حالت سرباز نیست مثل پیر مردها و پیرزنها (بلکه زنها مطلقا چه پیرزن و چه غیر پیرزن)بچه ها،متعرض اینها نشوید ویا کارهای دیگری را که تجاوز می گویند مرتکب نشویدمثلا درختان را قطع کنید،قنات ها را پر کنید،اینها را می گویند اعتداء یعنی تجاوز.جنگ با توده مردم جایز نیست. توده مردم که گناهی ندارند و بی خبرند"(مطهری،بی تا،صص ۲۳۳،۲۲۴،۲۲۰،۲۰)

۱-۳-۲-"امام علی ع به رزمندگان خود سفارش می کرد:آن کس را که پشت کرده نکشید،و آن را که قدرت دفاع ندارد آسیب نرسانید.مجروحان را به قتل نرسانید.زنان را با آزار دادن تحریک نکنید هر چند آبروی شما را بریزند،یا امیران شما را فحش دهند که آنان در نیروی بدنی و روانی و فکر کم توانند"(جمعی از محققان پژوهشگاه تحقیقات اسلامی،صص ۱۴۲۹،۲۳)
۱-۳-۳-"مساله ۱۷:از کفار پیرمرد و زنان وکودکان قتال استثناء شده و قتل آن ها جایز نیست.(خوئی،۱۴۲۸-صص ۳۷۴،۳۷۳)همچنین در قسمت آخر مساله ۲۲ آمده است که:ریختن سم در سرزمین های مشرکین جایز نیست،به دلیل این که رسول خدا در معتبره سکونی از امام صادق ع ،این کار را نهی کرده است.و نیز امام علی ع می فرماید:حضرت رسول ص از ریختن سم در بلاد مشرکین نهی نموده است.اگر مسلمانان در اثنای جنگ،از کفار محارب اسیر بگیرند،در صورتی که از انات باشد،قتل آنها جایز نیست و همین حکم در خصوص نابالغین،پیران و سایر افراد نیز جاکم است.(خوئی،۱۴۲۸،صص ۳۷۳و۳۷۴)

۱-۳-۴-"شیوه های جنگی:جنگ به هر نوع ابزار و آلتی جایز است مگر اینکه زهر کشنده و سم در داخل آبهای دشمن یا شهرهای دشمن اندازند که در اسلام جایز نیست.
مساله:کودکان وزنان کفار را نباید کشت.اما هرگاه کفار و مشرکین اطفال یا زنها را ویا تعدادی از مسلمانان را اسیر و سپر ساخته و پشت سر آنها موضع گرفته و به جنگ مسلمین آیند و غلبه برای لشکر اسلام ممکن نباشد مگر با کشتن این سپرهای بلا،در این صورت کشتن آنها نیز جایز است.

مساله:زنان کفار را نباید کشت اگرچه به کمک کفار در جنگ شرکت کنند.مگر عند الضروره که در مساله قبل آمد.(خراسانی،بی تا،صص ۳۴۸-۳۴۹).اعضای سازمان کنفرانس اسلامی،اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسلام را در سال ۱۹۹۰میلادی مورد تصویب قرار دادند.ماده این اعلامیه چنین مقرر نموده است:

الف)حیات عطای خداوندی است و حق حیات برای تمام انسانها تضمین شده است.همه دولتها و جمعیتها و افراد مکلف به حمایت و دفاع از حق حیات در مقابل هرگونه تعدی و وارد شدن هر گونه اخلال بر بقای طبیعی آن مانند بیماریها و بلاهای طبیعی و انسانی هستند.و خارج کردن هیچ روحی بدون اقتضای شرعی آن جایز نمی باشد.

ب) استفاده از هر وسیله ای برای از بین بردن حیات بشری خواه بطور کلی و خواه بطور جزئی حرام است.
 ج) حفظ و ادامه حیات بشری تا جایی که خدا اراده کند، واجب است. اعم از اینکه شامل حفظ حیات خود در مقابل تعدی و تجاوز دیگران باشد، و یا تجاوز و تعدی بر نفس خود باشد، و خواه حفاظت از حیات سایرین.
 د) بر فردی که مورد ظلم و ضعف واقع شده و حیات و کرامت او از ناحیه عوامل طبیعی و یا از طرف قدرتمندان مورد تهدید قرار گرفته است واجب است که به منظور دفع ظلم و استضعافی که قرار گرفته و دفع خطر از حیات و کرامت خود به هر نحو مشروعی که قدرت آن را دارد قیام کند. (آشوری، ۱۳۷۶، ص ۲۱۵)

۲- نسل کشی در مطالعات جرم شناسی

در طول قرن گذشته، نزدیک به ۱۹۱ میلیون نفر در جریان خشونت های جمعی جان خود را از دست داده اند که بیش از نیمی از آنها غیر نظامیان بودند. جنگ جهانی دوم و ارتکاب نسل کشی های مختلف، قربانیان زیادی به دنبال داشت. واقیعت های موجود بیان گر توسعه جرائم جهانی و شدت و وسعت این جرائم در سطح بین المللی و یا وقوع این جرائم در داخل کشورها اما با بازتاب جهانی می باشد. نسل کشی از جمله جرائمی است که بر خلاف سایر جنایات، در نقاط مختلف دنیا در حال وقوع می باشد و یا ممکن است واقع شود. "جنایات بین المللی مانند جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل زدائی"، از اشکال شدید خشونت هستند. از همین رو بسیاری، تعقیب و محاکمه این افراد را ضروری می دانند. در حال حاضر، نسل زدائی های معاصر و سایر کشتار های جمعی، معمولاً در سطح کشور-ملت واقع میشوند. گروههای مختلف مرتکبان، از نیروهای ارتش دولتی گرفته تا شبه نظامیان، به دلائل زیادی در نسل کشی مشارکت می کنند. یکی از تغییرات مهم، سیالیت و تمرکز نسل زدائی های اخیر است. اینکه نسل زدائی ها، در حال حاضر، در داخل یک کشور، اغلب به عنوان قسمتی از جنگ داخلی انجام می شود، به توضیح این امر که چرا سرعت نسل زدائی در نیمه دوم قرن بیستم افزایش یافته، کمک می کند. (wolfe, 2010: 102-110)

۳- علل وقوع نسل زدائی

اکثریت قریب به اتفاق جرائم، بدون سابقه و عللی که قبل از وقوع جرم وجود داشته اند، ارتکاب نیافته و نمی یابند. نسل زدائی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در کل، مسبوق به سوابقی است که زمینه را برای ارتکاب آن فراهم می کند. این علل هم مربوط به قربانیان نسل زدائی و هم مربوط به مرتکبان میشود.

۳-۱- علل مربوط به قربانیان

ماده ۲ کنوانسیون نسل زدائی مصوب ۱۹۴۸، در تعریف این جرم، گروههای هدف را شامل گروه ملی، نژادی، یا مذهبی بیان نموده و اعلام کرده که اقدامات مندرج در این ماده که علیه این گروهها واقع شود، نسل زدائی محسوب می گردد. انسجام یک دسته بندی موثر از جرائم خشن و بی رحمانه، تاحدی از ماهیت بزه دیدگان ناشی می شود.

قربانیان، نه به دلیل ویژگیها و یا فعالیت های فردی شان، بلکه به دلیل قرار گرفتن در یک دسته اجتماعی معنادار بزه دیده شده اند. آلوارز، در رابطه با "رابطه جنسی وحشتناک" بیان کرده است که "فعالیت های نسل زدایانه، در بستر هایی رخ داده که قبل از ارتکاب جرم، بین مرتکب و بزه دیده، ارتباطی وجود داشته است. (نیکوکار، ۱۳۹۷، ص ۶۹)

۳-۱-۱- خصوصیات ملی و قومی

گروه ملی، مجموعه ای از افراد دارای رابطه حقوقی شهروندی مشترک و برخوردار از حقوق و تکالیف می باشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲، ص ۹۳) بنابراین، گروه ملی، به اقلیتی اطلاق می شود که در تابعیت یک دولت به سر میبرد و با حفظ علائق قومی، مذهبی و زبانی، از اکثریت حاکم متمایزند و دارای خاستگاه ملی مشترک هستند. (اردبیلی، ۱۳۶۸، ص ۴۸)

گروه قومی، گروهی است که اعضای آن از زبان و فرهنگ مشترک برخوردارند. (میرمحمد صادق، ۱۳۹۳، ص ۹۳) به عبارت دیگر، اطلاق قوم به گروههای انسانی شامل مجموعه مولفه های زیست شناسی، اجتماعی، زبان شناسی، تاریخی و فرهنگی است. (اردبیلی، ۱۳۶۸، ص ۴۸)

۳-۱-۲- خصوصیات نژادی و مذهبی

گروه نژادی "گروهی است مبتنی بر ویژگی های جسمانی وراثتی که معمولا با ناحیه جغرافیایی خاص، بدون در نظر گرفتن عوامل زبانی، فرهنگی، ملی یا مذهبی، مرتبط است. (همان، ۹۴) محور تعریف در نژاد، زیستی است و لذا نژاد، یک گروه انسانی است که از نظر صفات جسمانی مانند سر و رنگ پوست، متمایز از سایر گروه هاست و این صفات، طبیعی، ارثی و دائمی است. (جوانمردی صاحب، ۱۳۸۴، شماره ۲۷، ۶۸) و گروه مذهبی، گروهی است که اعضای آن، از مذهب، و یا شیوه عبادی واحدی تبعیت می کنند. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳، ص ۹۴) و عامل پیوند دهنده آنان، مذهب و دینی است که اعضای آن، به طور مشترک، به آنها اعتقاد داشته و طبق اصول و قواعد آن مذهب رفتار نموده و با هم ارتباط برقرار می کنند.

۳-۲- علل مربوط به مرتکبان (علل شکلی و ماهوی)

برای وقوع نسل کشی، علاوه بر خصوصیاتی که مربوط به قربانیان می باشد، لازم است عللی که در ارتباط با مرتکبین این جرم نیز وجود دارد، مورد توجه قرار گیرد. مطالعه علل مربوط به مرتکبان این جرم، یکی از مباحث مهم در جرم شناسی جنایات بین المللی است. به عبارت دیگر، مطالعه مرتکبان، در پی توضیح این مساله است که چرا افراد معینی، مرتکب این جرم می شوند؟ این افراد دارای چه ویژگی های شخصی هستند؟ چرا افراد عادی مرتکب رفتارهایی می شوند که نقض فاحش موازین حقوق بشر به شمار می آید؟ (نیکوکار، ۱۳۹۷، ص ۹۳) عوامل و انگیزه های مختلف و متعددی که موجب وقوع نسل زدائی بوسیله مرتکبان، می شود، باعث گردیده تا طبقه بندی مرتکبان نیز مختلف و متعدد باشد این علل هم بصورت شکلی و هم بصورت ماهوی قابل بررسی می باشند.

۳-۲-۱- مغز متفکر جنائی

در همه شکل های خشونت جمعی، معمولا یک رهبر مرکزی وجود دارد. یعنی یک شخصیت آغاز کننده اصلی در عمل جنائی که جرائم را با مصلحت خودش مرتکب شده یا آغاز مینماید و موقعیت قدرت را حفظ می کند. این رهبر معمولا در راس قدرت

قرار دارد ولی می تواند در راس یک سازمان مشخص همانند ارتش، یا پلیس یا یک نهاد قدرتمند همانند سرویس اطلاعاتی یا یک سازمان تروریستی نیز قرار داشته باشد. (نیکوکار، ۱۳۹۶، ص ۳۹۷)

۲-۲-۳- متعصبان، جنگ جویان فدائی، پیروان و همنوایان

برخی از مرتکبان، با احساساتی قوی همانند تنفر، تحقیر و بی زاری هدایت می شوند و معمولاً این احساسات را به سمت گروهی هدایت می کنند که آنها را مسول این حالات ناخوشایند می دانند. آنها به اعضای این گروهها به دیده حقارت می نگرند که شایسته زندگی کردن نیستند و می توانند بر اساس ابداع خود؛ مرتکب جرائم مبتنی بر نفرت گردیده یا خودشان را به صورت مطلق و غیر مشروط، وقف یک ایدئولوژی بنیادگرایانه یا یک رهبر مشخص نمایند که به صورتی موفقیت آمیز، احساسات آنها را به یک ایدئولوژی متعصبانه و جرم گرایانه تبدیل می کند. این مرتکبان به صورت مطلق و کامل، به آنچه که انجام می دهند باور دارند. آنها غالباً برانگیزنده هائی هستند که دیگران را برای ارتکاب جرم تحریک می کنند. خشونت برای آنها، تنها نقش کارکردی ندارد، بلکه در واقع، دارای، نقشی آیینی بوده و در این راستا غالباً از خشونت افراطی استفاده می کنند. (نیکوکار، ۱۳۹۶، ص ۳۹۹) بسیاری از افراد، شهروندان قانون مدار هستند که تحت شرایط عادی، مطیعانه آنچه که از آنها خواسته شده را انجام می دهند. با این حال، در طی یک دوره خشونت جمعی، در زمانی که حکمرانان به جانی تبدیل شده اند، شهروندان قانون مدار نیز می توانند، در ارتکاب جرائم شرکت جویند. پژوهش ها نشان می دهد، بسیاری از مرتکبان جنایات بین المللی، پیروانی بسیار مطیع، وفادار و وظیفه شناس هستند که کاملاً خودشان را در اختیار یک حکمران، یک رهبر یا یک ایدئولوژی قرار می دهند که شدیداً به آن باور دارند. این حالت در زمانی که آنها عضوی از یک واحد نظامی بوده و تحت یک دوره تعلیمی قرار گرفته باشند، شدیدتر می باشد. زیرا به آسانی در جنایات بین المللی مشارکت نموده و تبدیل به مرتکبان این جنایات میشوند. (نیکوکار، ۱۳۹۶، ص ۳۹۹، ص ۴۰۸) بسیاری از مرتکبان دارای دلایل روشنی برای ارتکاب جرم هستند، یعنی دارای تنفر، بیزاری یا حرصی سیری ناپذیر برای به دست آوردن سود نمی باشند. اما در دوره خشونت جمعی در ارتکاب جرم شرکت کرده اند. به این دلیل که از جریان موجود پیروی می کنند. آنها معمولاً دارای شخصیت قوی نیستند. و نمی خواهند کار رهبری یا اخذ مسولیت را برعهده گیرند. آنها معمولاً از از پیامدهای کامل عضویت در یک گروه آگاه نیستند یا به صورتی کورکورانه از یک رهبر پیروی می کنند. و زمانی که احساس می کنند در دام گرفتار شده اند، دیگر نه گفتن برایشان خیلی دیر است. بر این اساس، آنها به آسانی می توانند مرتکب جرم شوند. چنین مرتکبانی اصطلاحاً "پیروان و همنوایان" نامیده می شوند.

۳-۲-۳- نسل زدائی ایدئولوژیک و نسل زدائی سزاگرایانه:

نسل زدائی ایدئولوژیک به نابود سازی عمدی یک جمعیت به علت نظامی از عقیده و یا عقیده ها مربوط می شود. به دلایل واضحی این گونه نسل زدائی بیش ترین وجه ایدئولوژیک را داراست. زیرا از آن رو رخ می دهد که اعضای یک جامعه، به ویژه آنان که قدرت سیاسی دارند، دارای عقایدی هستند که آن عقاید، آنها برای اقدام به نابودسازی یک جمعیت تشویق می کنند. (نیکوکار، ۱۳۹۶، ص ۳۵۱) این نوع نسل زدائی، توسط یک گروه علیه گروه دیگر برای حمایت از یک نظم سیاسی و یا اجتماعی سلسله مراتبی و طبقه بندی شده یا تغییر چنین نظمی ارتکاب می یابد.

نتیجه گیری

امروزه بدلیل وقوع نسل زدائی های مختلف در نقاط مختلف دنیا توجه جوامع بین المللی و کشورها به این جرم معطوف شده است. نسل زدائی جرمی نیست که به طور ناگهانی واقع شود، بلکه مسبوق به شرایطی است که زمینه لازم برای شروع نسل زدائی را محیا می کند. این شرایط معمولاً در تمام نسل زدائی های واقع شده مشاهده میشود. از این رو، بررسی تطبیقی مقررات فقه اسلام و جرم شناسی در جهت پی بردن به علل نسل زدائی و راههای مقابله در این دو حوزه، اهمیت خاصی پیدا میکند. علیرغم اینکه بعد از جنگ جهانی دوم، نسل زدائی مورد توجه جدی کشورها قرار گرفته است، اما دین اسلام، قبل از تاسیس سازمان ملل و تصویب کنوانسیون هائی در این خصوص، در احکام و مقررات خود، به انسان و نسل او، اهمیت خاصی قائل شده و آیات و روایات، جملگی بر حرمت قتل انسان خواه بصورت فردی و خواه به صورت جمعی، تاکید نموده و در موارد عدیده، بر عدم تعرض و صدمه رساندن به اموال و اشیاء و محصولات کشاورزی و دامی که ممکن است منجر به بروز خطر برای نسل بشر شود، توصیه موکد نموده اند. نقش فرماندهان و آمران در تشویق یا منع افراد زیردست خود در ارتکاب یا عدم ارتکاب نسل کشی در تعالیم دین مبین اسلام به دقت مورد توجه قرار گرفته و بیانگر این است که تاکید و تلاش اسلام بر پیشگیری از وقوع این جرم می باشد. تحقیقات جرم شناسی نیز نشان می دهد، اشخاصی که در راس قدرت قرار دارند نقش بسیار اساسی در تشویق و هدایت افراد تحت امر خود در ارتکاب نسل کشی و یا پیشگیری از آن ایفا می نمایند. بنابراین، می توان با استفاده از حقوق اسلام در مورد نسل کشی و تلفیق آنها با دستاوردهای مطالعاتی جرم شناسی، پیشنهادات و راه حل های جامعی ارائه نموده و جامعه جهانی را در مبارزه قاطع، اصولی و اساسی با این پدیده مساعدت نمود.

منابع

- قرآن کریم

- تورات

- آشوری، محمد، ۱۳۷۶، "عدالت کیفری" چاپ اول، تهران، نشر گنج دانش

- اردبیلی، محمد علی، ۱۳۶۸، "کشتار جمعی" مجله تحقیقات حقوقی، شماره یازدهم

- بیگلری، پویان، 1396، "عنصر روانی نسل زدائی از نظر اسلام". فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب شماره اول

- جمعی از محققان پژوهشگاه تحقیقات اسلامی، ۱۴۲۹ "فرهنگ موضوعی جهاد و دفاع در آئینه آیات و روایات" چاپ

اول، قم، انتشارات زمزم هدایت

- جوانمردی صاحب، مرتضی، ۱۳۸۴، "نسل زدائی، ساختار عناصر جرم" مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه

تهران، شماره ۲۷

- حسینی بهارانچی، سید محمد حسین، بی تا، "تفسیر اهل بیت ع." قم، نشر مطیع

- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، "تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه" گروه پژوهش موسسه آل البیت

ع، قم، موسسه آل البیت (ع)

- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۹۵ "اسلام و حقوق بین الملل"، تهران، گنج دانش

- طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۸۸ "تفسیر المیزان" دفتر نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- طیب، عبدالحسین، ۱۳۴۸ "تفسیر اطبیب البیان فی تفسیر قرآن"، موسسه جهانی سبطين، تهران، کتاب فروشی اسلام فارسی، جلال الدین، بی تا، "حقوق بین الملل اسلامی" چاپ اول، انتشارات جهان آرا
- عمید زنجانی، ۱۳۸۵، "فقه سیاسی" چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر
- مجلسی دوم، محمدباقرین محمدتقی اصفهانی، ۱۴۱۰ "بحار الانوار" چاپ اول، بیروت، موسسه طبع و نشر
- مجلسی دوم، محمدباقرین محمدتقی اصفهانی، ۱۴۰۴، "مرآه العقول فی شرح الاخبار آل الرسول" سید هاشم رسولی، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه. ۱۴۰۴
- میر محمد صادقی، حسین، ۱۳۹۳، "دادگاه بین المللی کیفری"، چاپ هفتم، تهران، نشر دادگستر
- مطهری، مرتضی، بی تا، "فقه و حقوق" چاپ اول، قم، بی نا
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۳ "تفسیر نمونه" چاپ بیست و یکم، دارالکتب الاسلامیه
- نیکوکار، حمیدرضا، ۱۳۹۷، "رویکردهای جرم شناختی به حقوق بین المللی کیفری". ترجمه گروهی از پژوهشگران علوم جنائی، چاپ اول. تهران، نشر میزان
- نیکوکار، حمیدرضا، ۱۳۹۷ "جرم شناسی فراملی"، ترجمه گروهی از پژوهشگران علوم جنائی، چاپ اول، تهران، نشر میزان
- نوری، محدث، میرزا حسین، ۱۴۰۸، "مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل" گروه تحقیق موسسه آل البيت ع، چاپ اول، بیروت، موسسه آل البيت ع
- هنر بخش، زهرا، ۱۳۹۸، "نسل کشی از دیدگاه فقهی و حقوقی" تهران، نشر شاپرک سرخ،
- Rafter, Nicole. (2016) The Crime of all Crimes, New York university press -
- Wolf Patrik. (2010). Structur and event: settler colonialism, time and the question of genocide. ch.4. New york: Berghaham books